



ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان

ریاست محکمه استیناف ولایت دایکندی

ریاست محکمه ابتدائیه شهری

ریاست دیوان جزاء عمومی

فارمت نشر احکام قطعی محاکم ابتدائیه در قضایای جزائی
شماره (۱۲)

شهرت طرفین قضیه و نوع واقعه			
شهرت خارنوال		نوع واقعه	ضرب و جرح
شهرت محکوم		محل واقعه	کوئل سیاه بادام مربوط مرکز ولایت دایکندی
وظیفه محکوم		تاریخ واقعه	۱۳۹۹/۳/۲
شهرت وکیل		سبب تحریک دعوی	عریضه رسمی
شهرت متضرر		رابطه محکوم با متضرر	بدون قرابت

شهرت قضات			
اسم			
تخلص			
وظیفه			

خلاصه جریان واقعه :	خارنوال در صورت دعوی خود مدعی گردیده شخص (اغ) ولد (خ ح) و (ف ط) بنت (ق ر) ذریعه عریضه مطبوع خویش عنوانی مقام ولایت دایکندی عارض و مدعی گردیده که بتاريخ ۱۳۹۹/۳/۲ اول صبح در حال سفر به مرکز ولایت بودیم که در قریه سیاه بادام دشت نیلی و توسط دوتن از معروضین هر یک (خ م) و (م د) به تحریک (ا ن ع) تا سرحد مرگ به وسیله آهن لت و کوب شده در ناحیه سر به تعداد سه جراحت عمیق برداشته و سایر اعضای بدنم کوبیدگی دارد که فعلاً در شفاخانه ولایتی تحت تداوی قرار دارم معروضین مبلغ دوصد هزار افغانی را به همراه یک پایه تلفون نوع گلکسی را با خود برده اند پولیس داخل اقدام شده و متهمین قضیه را گرفتار نموده است متهمین دارای سوابق جرمی نبوده و انگیزه ارتکاب جرم خصومت قبلی می باشد.
	۱- شخص (غ ع) ولد (ع ک) شاهد محل واقعه در جریان مقابله و مواجهه با (خ م) نام متهم قضیه چنین معلومات ارایه نموده اینکه: بلی چهرتاً ایشان را می شناسم فرد مقابلم لباس ورزشی شماره (۴) در تن داشت همان فرد سیاه چهره و قد متوسط که دنده سیاه پولیسی به دست داشت و یقیناً همین شخص جانب مقابلم همان رهن می باشد ورق (۷۵) دوسیه . ۲- به ملاحظه اوراق (۱۰۲،۹۹،۱۰۰)، دوسیه شخص (خ م) متهم قضیه بعد از حادثه بامیانجگری تعداد از موسفیدان قریه با شخص (ا غ) نام متضرر قضیه آشتی و جور آمد نموده است که این خود دلیل بر اثبات موضوع است. ۳- (غ ع) ولد (ع ک) شاهد قضیه میگوید که صبح حوالی (۸:۳۰) الی (۹:۰۰) بود من بطرف بازار حرکت کردم تقریباً (۲۰۰) متر راه دور شدم دیدم که در سرک فرعی یک موتور سایلک نیمچه به رنگ آسمانی استاد بود تا من به سرک اصلی نزدیک شدم آن شخص تقریباً (۳۰) متر از جایش بطرف هجدی فاصله گرفت این درحالی است که به ملاحظه ورق (۶۷) دوسیه شخص (م د) متهم قضیه در جریان تحقیق خویش گفته که موتور سایلک من نوع آرین نیمچه دارای باک سبز میباشد یعنی گفته (م د) نام بیانگر صدق سخن شاهد و قرینه قاطعه بر اثبات جرم وی میباشد. ۴- شخص غلام علی شاهد قضیه چنین معلومات ارایه نموده: (ا غ) در وقت تلفون کردن گفت که تلفون من نیست تلفون ام را برده است که از طریق تلفون خانم خود به دامادش تماس گرفت بناءً چنین استباط میگردد که متهمان تلفون (ا غ) را باخود برده است ورق (۷۳) دوسیه ملاحظه گردد. با در نظر داشت دلایل فوق جرم موصوفان در قضیه رهنی ثابت بوده متهمان قضیه مطابق هدایت جز (۲) فقره (۱) ماده (۶۰۱) کود جزاء مستوجب مجازات دانسته میشود و در خصوص یک عدد تلفون نوع گلکسی فقره (۰۱) ماده (۱۴) کود جزا قابل رعایت می باشد بناءً از هیئت قضائی تقاضا مندم که متهمین فوق الذکر را محکوم به مجازات نموده تا پند به خودش و عبرت دیگران گردد.
خلاصه دفع متهم و یا وکیل مدافع	۱- ازاینکه خارنوال موظف به اتهام جرم رهنی علیه موکلینم اقامه دعوی نموده است ایجاب مینماید تا اولاً مطابق (۶۰۰) کود جزا جرم رهنی تعریف گردد چنانچه ماده مذکور صراحت دارد: (شخصی که به قصد گرفتن مال از طریق مغالبه در راه عام و یا در هر محل محجور دیگر با سلاح و یا وسیله ای که مشابه سلاح باشد موضح بگیرد...) به اساس این تعریف قانونی جرم رهنی، عناصر اختصاصی آن بصورت واضح بیان گردیده است زیرا از لازمه تحقق جرم رهنی این است که مرتکب باید با سلاح و یا وسیله ای که مشابه به سلاح باشد موضع بگیرد در حالیکه نه به اساس ادعای (ا غ) نام مرتکبین سلاح داشته و نه در اوراق دوسیه چنین چیزی به نظر میرسد و از عناصر دیگر جرم رهنی آن است که مرتکب آن قصد گرفتن مال را داشته باشد که درین رابطه ادعای (ا غ) نام مبنی بر گرفتن مال نظر به اوراق دوسیه ثابت نگردیده است و از طرف دیگر (ا غ) نام عنوانی محکمه ابتدائیه شهری از ادعای گرفتن مال چنین انصراف داده است ازاینکه قبلاً با برادر موکلینم خصومت داشته است از روی احساسات چنین ادعای را نموده است . گرفتن و ربودن مبلغ الی دولگ افغانی و موبایل

	نوع گلکسی واقعیت ندارد. ۲- در اثر ارتکاب همین فعل موکلینم به جرم لت و کوبی از طریق محکمه ابتدائیه منع خشونت علیه زن محکوم به مجازات گردیده است که در رابطه به یک فعل دو اتهام نسبتی به موکلینم توجیه قانونی ندارد زیرا اصلاً جرم رهنی در رابطه به این قضیه مصداق قانونی ندارد. ۳- خارنوال موظف به شهادت و اظهارات (غ ع) نام در صورت دعوی خود تحریر داشته است در حالیکه اظهارات (غ ع) که صرف متوجه (خ م) موکلیم است بصورت قطعی الزامیت موکلیم را در زمینه به اثبات نمیرساند زیرا اظهارات وی در رابطه به اینکه من از (ا غ) نام تلفون مطالبه نمودم تا به کسی تماس بگیرم اما او برایم گفت که تلفونم را نیز با خود برده است در حالیکه (ا غ) نام بعداً طی عریضه ای ازین ادعای خویش انصراف داده و بردن موبایل را در زمینه رد نموده است که این خود اظهارات و شهادت (غ ع) نام را با شک و تردید مواجه میسازد که استناد به آن صحت قانونی ندارد. و علاوه بر دلایل فوق موکلینم شاهدان اثبات بر بی گناهی خویش مطابق ماده (۱۹) قانون اجراءات جزائی را در خارنوالی حاضر نمودند که شاهدان در زمینه بیان داشتند که (م د) موکلیم به طرف کور که بخاطر ادای فاتحه رفته بودند که در این مورد از شخص (ا غ) سوال گردیده اما وی بیان داشتند که قبل از رفتن به کور که چنین جرم را مرتکب گردیده است در حالیکه به گفته (ا غ) نام وقوع جرم ساعت (۸) بجه صبح بوده است اما موکلیم (م د) ساعت هفت بجه صبح همراهی چند نفر دیگر به طرف کور که رفته است که فاصله میان محل بود و باش موکلیم و منطقه هجدی که محل جرم است تقریباً سه الی سه و نیم ساعت توسط موتر سایکل فاصله است بناءً بصورت قطع موجودیت موکلینم را در ساحه جرمی و ارتکاب این فعل رد مینماید اما خارنوال موظف هم به ارتکاب جرم رهنی و هم لت و کوبی علیه موکلینم اقامه دعوی جزایی نموده است که توجه هیئات محترم قضایی را در زمینه خواهانم از مقام محترم رئیس صاحب و اعضای محترم قضائی شان تقاضا مینمایم با در نظر داشت جریان واقعی قضیه از اینکه اتهام نسبتی به موکلینم نظر به اوراق دوسیه و صورت دعوی خارنوال موظف جنبه قانونی ندارد حکم خویش را مطابق فقره (۱) ماده (۲۰۳) قانون اجراءات جزایی به قرار عدم لزوم اقامه دعوی جزایی اصدار فرمایند تا عدالت تامین گردیده و هیچ بی گناهی به ناحق مجازات نگردد.
خلاصه استدلال هیئت قضائی	۱- خارنوال در صورت دعوی خود تحت عنوان راهزنی علیه متهمین جزاء خواهی نموده است اما مجنی علیها قضیه بنام (ا غ) ولد خادم و (ف ط) بنت (ق ر) طی عریضه مطبوع نمبر (۸۵۰۱۷۹۱) مورخ ۱۳۹۹/۴/۲۵ خویش عنوانی ریاست محکمه ابتدائیه شهری عارض و مدعی گردیده که ما دو نفر در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲ در قریه سیاه بادام ولسوالی مرکز توسط معروضین بنا بر اختلاف سابق مورد لت و کوب قرار گرفتیم و بر اساس احساسات ادعای کردیم که مبلغ دو لک افغانی و یک گوشی از مایان برده است ولی حقیقت نداشت، جان ما زیاد درد می کرد میخواستیم جرم آنها سنگین شود. که اصل عریضه ضم اوراق دوسیه می باشد. ۲- (ا غ) و (ف ط) نامه بعنوانی مجنی علیهای قضیه به جواب استعلام مورخ ۱۳۹۹/۴/۲۴ این ریاست علت ادعای دروغ مبنی بر ربودن مبلغ دوصد هزار افغانی و یک سیت گوشی را که در مرحله کشف و تحقیق، چنین بیان داشتن که به دلیل احساسات ولت کوبی شدید که داشتیم بسیار ناراحت بودیم و خواستیم اینها (متهمین) محکومیت سنگین بپذیرند و ادب شود چنین ادعا را نموده و بودیم. و نیز تحریر داشتن که در ان زمان نزد میایان پول نبوده و آنها نیز قصد ربودن پول مایان را نداشتن و خارنوالی نیز در مورد ربودن مبلغ دولک افغانی موضوع را ثابت ندانسته است. استعلام مذکور ضم اوراق دوسیه می باشد. ۳- نظر به ملاحظه اوراق دوسیه اظهارات و عرایض مجنی علیهای قضیه در محکمه چنین استنباط میگردد که متهمین هذا همراهی مجنی علیه باهم خصومت قبلی داشته و بدین اساس بخاطر گرفتن انتقام راه مذکوران را گرفته و ایشان را مورد ضرب و جرح قرار داده است بلکه قصد گرفتن مال مذکوران متهمین نداشته در حالیکه مطابق هدایت ماده (۶۰۰) کود جزا قصد گرفتن مال در جرم راهزنی شرط می باشد . ۴- جزای خواهی خارنوال تحت عنوان راهزنی در مورد مصداق نداشته بلکه قضیه ضرب و جرح می باشد که در مورد نیز مشاهدات شفاخانه مبنی بر آثار ضرب و جرح موجود می باشد، که قضیه لت و کوب زن تفکیک گردیده است. بناءً هیئت قضائی در زمینه تصمیم ذیل را اتخاذ نمود.
نص حکم	ماهیت قضائی ریاست دیوان جزای عمومی محکمه ابتدائیه شهری ولایت دایکندی در جلسه قضائی علنی مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۸ هـ ش خویش باحضور داشت خارنوال موظف، و متهمین قضیه وکیل

مدافع شان در قضیه ضرب و جرح به اتفاق آراء مطابق هدایت جزء(۱) ماده (۵۷۷) کود جزاء با در نظر داشت جزء (۴) ماده (۵۷۸) کود جزا هر واحد شما را به پرداخت مبلغ پانزده هزار افغانی جزای نقدی محکوم به مجازات نمودیم.	
به اساس هدایت ماده (۲۴۶) قانون اجراآت جزایی قضیه قباحه بوده از مرحله ابتدای قطعی و نهائی گردیده است.	سبب قطعیت حکم ابتدائیه